

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

هفدهم جولای 2013

شعر از "چاووش"

شعرهای مقاومت

از مجموعه "یک گام تا بيمرگی"

(پنج)

بزرگمردا!

که افسانه میدانداریت

در گرماگرم نبردهای سهمگین

سرود متوالی ماندگاری را

با بارش خون

در گوش تاریخ فرو میخواند

و بینش تاریخ

از حضور ذهن تو لبریز است

زیرا؛

تو ماندگاری را رنگ هستی بخشیدی،

گلهای عشق تو

در زمین بارور دلها
بهاری میرویاند
صاعقه انگیز:
گلھائی که از آن بوی تو میترآود
بوی رفاقت تو
بوی مردی و شہامت تو
و طلوع قیامت تو
و ابدیت نیست،
مگر حماسه رسالت تو،
که بزرگترین بزرگی
و آسمان در برابر تو
ای بلندآوازه رزم
بس حقیر و سرخورده مینماید!!!

پیامت
که فرمان بشکستن بن بست است
آهنگ خروج را ساز میکند
و آزادی را
در دیدرس مردم
میگذارد
و بیکارگان فرومانده در بن بست
که با خود کلاویز اند
تا کارکی کرده باشند
نوای انکار سر میدهند،
انکار پیام بیش بهای تو.

دور، آنجا،
مردان کاهپیکر

با تیشه های چوبین
با سنگرهای پنبه ئی
و با دژهای سرگینی
بر تو میتازند.
راست گفته فروغ فرخزاد :
که "در دنیای قدکوتاهان
معیار سنجش بر مدار صفر دور میزند"
این قدکوتاهان نیز
که مخنثان بیمقداری بیش نیستند
کارنامه ارجمند ترا ارجی نمیشناسند
اینجا،
مردهای بی میدان
آنجا،
نیمچه آدمهای حاشیه نشین
ترا که مردِ میدانی
به شلاق دشنام میبندند
و بی مُحابا تکفیرت میکنند؟
شلاقی که تافته جدابافته آنها از میدان نبرد است
برازنده خود شان
مشتی پرمدها و افاده فروش
که در خلوت دعوای رستم صولتی دارند
از تو نان قرض گرفتند
امروز،
در عوض،
دشنامت میدهند
و فردا
انکارت خواهند کرد
تا از تو افتخارربائی کنند
آنهایی که بزرگی خود را در کوچک شمردن دیگران مییابند

و در بازار مکاره دنیا
ظرفیت بی ظرف شان را به حراج میگذارند
و قوادانه،
آزادی را پای انداز خودپرستی میکنند.

اما،
بار شاخ هستی تو
با باد بال این مگسان وزوزی هرگز تکیدنی نیست
که تو،
در جنگل تاریخ
شاخ همیشه پر بار و سبزی
و افتخار خیره کننده ات
بر تارک مغرور "بابا" و "پامیر" میدرخشد
و سنگستان سنگرت
نقشستان نبرد هولناک تو
در طلوعه صبح پیروزی ست
تو در طلایه زمان
بیدرنگ پیش میرانی
و در دریای ابدیت
دست بر یال سبز امواج میسائی
و سوار بر کوهاب طوفان
پیش میرانی
لبان طوفان، به سان طوفان
که غریو ر عشه آورت در آن جاری ست،
آوازخوان بیمرگی توست
در دریای ابدیت!!!!

چاووش – 20.11.61